

تبیین معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی و آثار آن بر آموزش عالی ایران از منظر حقوقی

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۴

محمد جلالی^۱ و کیومرث قنبری*

چکیده

هدف: در عصر حاضر، دانشگاه‌ها به‌مثابه سازمان‌هایی تلقی می‌شوند که دارای پیچیدگی‌های فراوان هستند. در این راستا، مسأله اعطای استقلال به دانشگاه‌ها به این پیچیدگی دامن می‌زند. با توجه به اهمیت این مسأله، پژوهش حاضر به تبیین معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی و آثار آن برای آموزش عالی ایران پرداخته است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر کیفی بوده و از روش نمونه‌گیری هدفمند و از نوع مطلوب برای انتخاب شرکت‌کنندگان در نمونه تحقیق استفاده شد. در این راستا، با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۳ نفر از خبرگان و سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی، اشباع نظری در داده‌ها حاصل گردید. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی به‌منظور کدگذاری و مقوله‌بندی بهره‌گرفته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی دربرگیرنده استقلال ساختاری، استقلال محتوایی، استقلال مالی، جامعیت پاسخگویی و استقلال در تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین چابک شدن دانشگاه‌ها، پیشتازی در عرصه علم و فناوری، دانشگاه محوری، پاسخگویی دقیق‌تر به ذی‌نفعان بیرونی و اثرات منفی ناشی از آماده نبودن بستر لازم برای اعطای استقلال دانشگاهی به‌عنوان اثرات استقلال دانشگاهی برای حوزه آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است. در مجموع می‌توان گفت که تمرکززدایی و اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها در زمینه امور مربوط به خود، از اولویت‌های اساسی آموزش عالی در نیل به آرمان‌های متصور برای آن در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ است و متولیان و دست‌اندرکاران آموزش عالی لازم است با اتخاذ تدابیر و راه کارهایی به حل مسایلی در زمینه اعطای استقلال به دانشگاه‌ها و مساعد نمودن بستر و شرایط لازم برای آن کمک نمایند.

کلید واژه‌ها: استقلال دانشگاهی، آموزش عالی، دانشگاه، ملاحظات حقوقی

۱. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

kiumars_ghanbary@yahoo.com

مقدمه

آموزش عالی مؤلفه پویای جامعه بوده و در حین اینکه تحت تأثیر جامعه قرار دارد، موظف به هدایت آگاهانه و هدفمند آن نیز هست. نهادهای اجتماعی هم‌چون آموزش عالی بر پایه نیازها و ضرورت‌های جامعه و افراد آن پدیدار شده و با تغییر و تحول در این نیازها و ضرورت‌ها و شرایط حاکم بر جامعه و افراد آن دچار تغییر شده و متحول می‌شوند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۳). امروزه جامعه‌ای یافت نمی‌شود که به دانشگاه احتیاج نداشته باشد (قورچیان، آراسته و جعفری، ۱۳۸۳).

دانشگاه‌ها هم در ایجاد تحولات و هم در پاسخ به نیازهای برخاسته از تحولاتی که در بخش‌های جامعه رخ می‌دهد، نقش اساسی را بازی می‌کنند. تحولات گوناگون دانشگاه‌ها را با چالش‌های مختلفی در تمامی زمینه‌های حیات اجتماعی مواجه می‌سازند. با وجود این، برای اینکه دانشگاه‌ها بتوانند در این دنیای در حال تحول، نقش خود را به درستی ایفا کنند و پاسخگوی این نیازها و چالش‌های گوناگون باشند، باید از قدرت و اختیارات لازم برخوردار شوند. از سوی دیگر، آن‌ها باید در اداره خود استقلال داشته باشند تا بتوانند با رقبای خود در جهان آموزش به رقابت بپردازند (رحمانی و نصرآبادی، ۱۳۸۰).

مساله استقلال از دیرباز از جمله دغدغه‌های استادان و مراجع دانشگاهی بوده است. از نخستین روزهای تشکیل دانشگاه‌ها در قرون وسطی، استقلال یا خودگردانی همواره یکی از اصول اساسی نهادهای آموزشی را تشکیل می‌داده است (رحمانی و نصرآبادی، ۱۳۸۰). ارتقای کیفیت نهاد آموزش عالی، برنامه‌ریزی آموزش کارآمد و ارائه برنامه درسی اثربخش از موضوعات کلیدی در آموزش عالی هستند که می‌توانند با تفویض اختیارات به دانشگاه‌ها و اعطای استقلال به آن‌ها میسر گردند. آنچه که امروزه به‌عنوان برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌محور در عرصه دانشگاهی مطرح است تنها با استقلال دانشگاهی میسر است. برنامه درسی دانشگاه‌محور، به‌عنوان راهبردی برای تمرکززدایی و در راستای تفویض اختیارات برنامه درسی به دانشگاه‌ها (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹) صورت گرفته است. تمرکززدایی در آموزش عالی دغدغه سالیان اخیر آموزش عالی بوده است که متأسفانه هنوز به معنای واقعی آن تحقق نیافته است.

تفویض اختیارات و اعطای استقلال دانشگاهی که از مظاهر تمرکززدایی است به عدالت آموزش می‌انجامد که به‌عنوان چشم‌انداز آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ (سند تحول علم و فناوری، ۱۳۸۸؛ نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۹۰) مطرح می‌باشد. دانشگاه‌محوری که از امتیازات استقلال دانشگاهی است سبب می‌شود که هر دانشگاه در چارچوبی که از سوی سیاست‌گذاران در چشم‌انداز متصور برای دانشگاه بیان می‌گردد، به تدوین برنامه‌های درسی خود به تناسب نیازها، استعدادها و فراخور امکانات خود بپردازد و با مشارکت اعضای هیأت علمی هر واحد در تدوین برنامه‌های خود به ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش کمک نمایند که ثمره این فرآیند،

ارتقای عدالت آموزشی است. با احتساب اهمیتی که در اسناد بالادستی برای عدالت آموزشی به عنوان چشم‌انداز و رسالت مطرح است، با این وجود، فقدان آن در آموزش عالی بارز و نمایان است و این امر بیش از همه نیازمند اعطای اختیارات و استقلال دانشگاهی به دانشگاه‌ها می‌باشد. این موضوع به‌عنوان مسأله اساسی برای آموزش عالی ایران مطرح است.

فقدان استقلال ساختاری در دانشگاه می‌تواند به وابستگی محتوایی این نهادهای علمی به سازمان‌های غیرعلمی منتهی شود و این امر موجب می‌شود که دانشگاه‌ها در تنظیم و انتخاب محتوای مطالب و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود وابسته بوده و زیر فشارهای قدرت و نهادهای برون سازمانی قرار گیرند. هر چند در بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، موضوع استقلال دانشگاه‌ها مدنظر قرار گرفته (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸) لیکن با تأکید تعدادی از تحقیقات بر ناکارآمدی نظام کنونی آموزش عالی ایران، به روشنی نیاز به تغییر در میزان اختیارات، میزان آزادی علمی و استقلال دانشگاه‌های کشور مشهود است (همایونفرد، ۱۳۹۶). به هر حال، موضوع استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی کشور ما با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است و اشکال مختلفی را به خود دیده است. از این رو، سوال اساسی که ذهن اغلب متولیان آموزش عالی را به خود معطوف داشته این است که اساساً اعطای استقلال به دانشگاه‌ها با چه مزیت‌هایی می‌تواند همراه باشد؟ این مزیت‌ها چه آثاری را برای نظام آموزش عالی به همراه دارند؟ و در حقیقت، شاخص‌ترین ابعاد این استقلال دانشگاهی چه می‌تواند باشد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آموزش عالی معرف مهم‌ترین نوع از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز کارکنان در زمینه‌های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می‌کند (وودهاال، ۱۹۹۲). نقش و جایگاه آموزش عالی در این عرصه، زمانی می‌تواند روشن تر شود که به این حقیقت توجه شود که پیش‌بینی‌ها و برآوردهای علمی، تغییرات و پیشرفت‌های سریعی را در حوزه فناوری و به تبع در کارکرد نهادهای اقتصادی جامعه ترسیم می‌کنند (فتیحی و اجارگاه و خسروی، ۱۳۹۲). آموزش عالی باید همانند یک موجود زنده همواره به کسب آگاهی از محیط و عناصر داخلی خود بپردازد و با شناسایی تحولات محیطی و وضعیت خویش، تغییرات لازم را در جهت ادامه حیات به صورت پویا در خود ایجاد کند و البته این تغییرات بایستی در همه عناصر از جمله اهداف و وظایف، ساختار و برنامه‌های آن به‌طور هماهنگ انجام گیرد تا ارتباط آن‌ها به‌طور منطقی حفظ شود و بتوانند به حیات ادامه دهد (عارفی، ۱۳۸۴). بنابراین دانشگاه در کنار داشتن استقلال، خودگردانی و آزادی‌های آکادمیک، باید در قبال

استفاده خود از منابع عمومی، خصوصی، ملی و بین‌المللی، احساس مسئولیت و پاسخگویی به جامعه، مسئولان دیگر بخش‌ها را پیوسته مدنظر قرار دهد (فراستخواه، ۱۳۷۷).

به موازات افزایش استقلال نهادهای آموزش عالی، مسئولیت‌پذیری آن‌ها نیز باید در قبال عملکردشان افزایش یابد. این مسئولیت‌خواهی شامل نظارت بر کیفیت برنامه‌های آموزشی و نتایج تحقیقاتی، سنخیت برنامه‌ها با نیازهای جامعه و نحوه استفاده آن‌ها از بودجه عمومی می‌گردد (رحمانی و نصرآبادی، ۱۳۸۰). دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته، ناگزیر بوده‌اند که همواره موازنه ظریفی را میان حق استقلال خود و اختیارات جوامعی که در آن‌ها فعالیت می‌نمودند حفظ کنند. آن‌ها اگرچه همیشه موفق نبوده‌اند، ولی آرمان استقلال‌خواهی‌شان هرگز رنگ نباخته است (رحمانی و نصرآبادی، ۱۳۸۰).

یافته‌های بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که استقلال یک عامل کلیدی برای دانشگاه‌های جذاب، مؤثر و موفق می‌باشد (سرکان، فردا و ایمین^۱ ۲۰۱۶). دانشگاه مستقل، مرکز نقادی، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی و مستند کردن این فعالیت‌ها و ارائه آن به جامعه و دست‌اندرکاران ذیربط می‌باشد؛ چنین دانشگاهی، در تعیین سرنوشت کشور اثرگذار خواهد بود و زمینه را برای توسعه بر مبنای دانش و دانایی فراهم خواهد کرد (زاهدی اصل، ۱۳۹۶).

امروزه دانشگاه‌های دولتی از عدم استقلال رنج می‌برند؛ زیرا اغلب مؤسسات، معمولاً توسط دولت ایجاد شده و تحت کنترل دولت نیز هستند (صوفین و وونگ ۲۰۱۴). امروزه در حکمرانی دانشگاه‌ها، دولت‌های بسیاری قصد دارند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم کنترل خود را بر دانشگاه‌های مدرن و فعالیت‌های اصلی آن افزایش دهند (وولرت، ۲۰۱۴). از نظر سینگ و همکاران (۲۰۱۵)، دولت کنترل آموزش عالی را با ایجاد طیف وسیعی از مکانیسم‌های پاسخگویی مانند ارزیابی عملکرد و معرفی سیستمی برای ارزیابی محصولات پژوهشی در اختیار دارد. کریستنسن (۲۰۱۱) ادعا می‌کند که وضعیت اخیر حکمرانی دانشگاه‌ها، یک تناقض عجیب را به وجود می‌آورد: در حالی که استقلال دانشگاه‌ها در طیف وسیعی از کشورها به صورت «رسمی» افزایش یافته است اما در مقایسه با زمان‌های گذشته، استقلال «عملی» آن‌ها کاهش یافته است.

میان استقلال دانشگاهی و جایگاه دانشگاه‌ها در نظام‌های رتبه‌بندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به اندازه‌ای که دانشگاه‌ها از استقلال آکادمیک برخوردارند، به همان اندازه از رتبه‌های بهتری برخوردار می‌گردند (خورسندی طاسکوه و پناهی، ۱۳۹۵). کلارک^۲ (۱۹۹۸) در زمینه استقلال دانشگاهی، از سه الگوی مشهور در زمینه اداره و مدیریت دانشگاه نام می‌برد و معتقد است که سه قدرت متفاوت ممکن است در مدیریت دانشگاه نقش ایفا نمایند که شامل قدرت

دولت، قدرت بازار و قدرت آکادمیک است. حکومت نقش اصلی در برنامه‌ریزی دانشگاه و مدیریت بر عهده دارد. دولت‌ها هستند که در تعیین مقررات حاکم بر دانشگاه و نحوه اداره آن نقش‌آفرین می‌شوند و بودجه برای دانشگاه را نیز دولت تأمین می‌کند. بازار و بخش خصوصی، منابع مالی مورد نیاز دانشگاه را مستقیماً تأمین می‌کند و از طریق مبادلات و قراردادهایش بر فعالیت دانشگاهی سایه‌انداز می‌شود. حالت سوم مناسب‌ترین روش برای مدیریت دانشگاه‌ها است که هیأت امنای حکمرانی دانشگاه می‌شود و به صورت مستقل براساس اعتماد عمومی از طرف جامعه، دانشگاه را اداره کند (کلارک، ۱۹۹۸).

برداهل^۱ (۱۹۹۰) دو نوع استقلال دانشگاهی یعنی استقلال شکلی و محتوایی قائل بوده و آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌نماید. به زعم وی، استقلال محتوایی عبارت از توانایی یک نهاد آموزش عالی در تعیین هدف‌ها و برنامه‌های خود است و استقلال شکلی به توانایی هر نهاد آموزش عالی در تعیین راه‌ها و روش‌های پیگیری هدف‌ها و برنامه‌های خود اطلاق می‌گردد. به عبارت دیگر، استقلال محتوایی به مسایل مربوط به راهبردها و سیاست‌ها می‌پردازد، در حالی که استقلال شکلی به روش‌های اجرای سیاست‌ها توجه دارد (برداهل، ۱۹۹۰). وی همچنین استقلال دانشگاهی را به استقلال اساسی و استقلال فرآیندی تقسیم می‌کند. از نظر وی استقلال اساسی عبارت است از: «اختیار دانشگاه یا کالج در تعیین روش‌هایی که اهداف و برنامه‌های خود را محقق سازد یا به‌طور کلی، آکادمی چگونه است؟». از این رو، استقلال اساسی فضای علمی و تحقیق به‌ویژه زمینه‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی، سیاست‌گذاری تحقیق، اعطای بورسیه تحصیلی و غیره را پوشش می‌دهد و استقلال فرآیندی به حوزه‌های غیرعلمی مربوط می‌شود که معمولاً با مسائل مالی مرتبط هستند، مانند بودجه‌بندی، خرید، شرکت در مقاطعه کاری و غیره. اشبی^۲ (۱۹۶۶) معتقد است که حراست واقعی از استقلال، زمانی میسر است که مبنای آن دقیقاً تعریف گردد و جامعه، سیاستمداران و مستخدمان دولت به خوبی آن را درک کنند. وی موارد زیر را به‌عنوان مبنای استقلال برمی‌شمارد:

- آزادی انتخاب کارکنان آموزشی، دانشجویان و شرایط کار و تحصیل آنان در دانشگاه؛
- آزادی تعیین محتوای موضوعات درسی و معیارهای اعطای مدرک تحصیلی؛
- آزادی تخصیص بودجه برای هزینه در بخش‌های مختلف.

فاران^۳ (۱۹۸۷) استدلال می‌نماید که در شرایط حقیقی استقلال به منزله دارا بودن حقی است که دانشگاه‌ها را قادر می‌سازد تا کارکنان آموزشی خود را بدون دخالت دیگران انتخاب

نمایند؛ شرایط گزینش دانشجویان را خود تعیین کنند؛ مواد درسی و روش تدریس را خود برگزینند؛ معیارها و شاخص‌های خود را مستقلاً مشخص سازند و در تعیین اولویت‌ها و الگوهای توسعه در آینده، آزادی عمل داشته باشند.

اقین^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که استقلال دانشگاه نه تنها با کیفیت تحقیقات دانشگاه، بلکه با استفاده کارآمدتر از منابع مالی دانشگاه نیز همبسته است. در راستای رابطه استقلال نهادی دانشگاه و کارآمدی، آرنولد^۲ و همکاران (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که واگذاری کنترل امور کارکنان، خرید، مدیریت قرارداد، مسافرت، فعالیت‌های انتشاراتی و مدیریت تسهیلات به دانشگاه، به ۱۲ میلیون دلار صرفه‌جویی در هر دوره دو ساله منجر شده است. تحقیق دیگری که در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ در دانشگاه‌های آلمان انجام گرفت، نشان داد که دانشگاه‌های ایالت‌هایی که قوانین و مقررات دانشگاهی آزادتری دارند، از سایر دانشگاه‌ها بسیار بهره‌ورتر هستند (کیمپکیس و پوهل^۳، ۲۰۰۸).

در تحقیق دیگری، اقین و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که در محیط‌های رقابتی شدید، بهره‌وری دانشگاه‌های دارای استقلال زیاد به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد. در این راستا، رازق مرندی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان استقلال نهادی اثربخش دانشگاه‌های دولتی ایران، به بررسی نگرش برخی از ذی‌نفعان آموزش عالی در رابطه با ویژگی‌های برجسته استقلال نهادی اثربخش دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخت. برای جمع‌آوری اطلاعات، علاوه بر پرسشنامه، مدارک حقوقی نیز بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های استقلال دانشگاهی در زمینه‌های استقلال اساسی و استقلال فرآیندی قرار دارند و عمل به این نتایج، اداره کردن دانشگاه‌های ایران را از مدل کنترل دولتی به مدل نظارت دولتی تغییر می‌دهد و آن‌ها را در فضای رقابتی داخلی و خارجی چابک‌تر می‌سازد.

غیاثی ندوشن و خلیلی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه» به بررسی ابعاد مختلف استقلال دانشگاه و نقش دولت در ایجاد موانع تحقق آن پرداخته‌اند. روس تحقیق آن‌ها کیفی بوده و از تحلیل اسنادی به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. در این پژوهش کلیه متون و تحقیقات در حوزه استقلال دانشگاه و ابعاد آن به‌عنوان جامعه آماری لحاظ شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، متون داخلی و تحقیقات برجسته خارجی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد صاحب‌نظران بر روی چهار بُعد استقلال سازمانی، مالی، علمی و استخدامی به‌عنوان ابعاد اصلی استقلال دانشگاه، بیشترین اشتراک نظر را داشته و فرآیندهای سیاسی کشورها، حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم

متمرکز تصمیم‌گیری دولتی، محدودیت‌های مالی و استخدامی، تعصبات خاص جناحی یا حزبی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق استقلال دانشگاه بوده که در بروز تمامی این موارد، دولت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌نمایند.

علی‌رغم مزیت‌های احتمالی که استقلال دانشگاهی می‌تواند برای آموزش عالی به ارمغان آورد، حقایق موجود آموزش عالی بیانگر آن است که نظام دیوان سالار و متمرکز کنونی توانایی هدایت مراکز آموزش عالی را ندارد (آراسته، ۱۳۸۰). جاودانی و همکاران در تحقیق خود بیان می‌کنند که ۷۱ درصد مدیران عالی نظام آموزش عالی ایران، تمرکزگرایی، حاکمیت دیوانسالاری سنتی و شکل نگرفتن استقلال آکادمیک را جزو نقاط ضعف آموزش عالی ایران می‌دانند (جاودانی و همکاران، ۱۳۸۷). با احتساب این وضعیت، پژوهش حاضر بررسی سوالات زیر را در دستور کار قرار داده است:

۱- معیارهای مطلوب استقلال دانشگاه‌ها از منظر حقوقی چه می‌تواند باشد؟

۲- استقلال دانشگاه‌های دولتی ایران، چه آثاری برای نظام آموزش عالی می‌تواند داشته باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناسی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، اسناد بالادستی که جهت‌گیری در زمینه آموزش عالی داشته‌اند و هم‌چنین خبرگان در حوزه سیاست‌گذاری آموزش عالی و مطلعین به موضوعات حقوقی این حوزه بوده‌اند. روش نمونه‌گیری در انتخاب اسناد و گزینش مصاحبه‌شوندگان، هدفمند و از نوع مطلوب بوده است و با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۳ نفر، اشباع نظری در داده‌ها حاصل گردید. این افراد همگی دارای تألیفات گسترده و از سوابق مدیریتی و اجرایی در حوزه آموزش عالی برخوردار بودند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی به منظور کدگذاری و مقوله‌بندی بهره گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

سوال اول: معیارهای مطلوب استقلال دانشگاه‌ها از منظر حقوقی چه می‌تواند باشد؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۳ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۶۷ گزاره (کد) استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به دست آمده، در مرحله دوم ۴۷ و در مرحله سوم ۲۲ گزاره حاصل شد و بر این اساس پنج مقوله و محور اصلی به عنوان معیارهای مطلوب استقلال دانشگاه‌ها از منظر حقوقی شناسایی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج شده ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱. مهم‌ترین مقوله‌های اظهار شده در زمینه معیارهای مطلوب استقلال دانشگاه‌ها از منظر حقوقی توسط مصاحبه‌شوندگان

متغیر	ردیف	مقوله‌ها	فراوانی	درصد
استقلال دانشگاهی معیارهای مطلوب	۱	استقلال ساختاری	۱۳	۱۰۰
	۲	استقلال محتوایی (کارکردی)	۱۱	۸۵
	۳	استقلال مالی	۹	۶۹
	۴	جامعیت پاسخگویی	۸	۶۱
	۵	استقلال در تصمیم‌گیری	۷	۵۴

۱- استقلال ساختاری

همه مصاحبه‌شوندگان (۱۳ نفر و ۱۰۰ درصد) مقوله «استقلال ساختاری» را به‌عنوان مهم‌ترین معیار مطلوب استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان نمود:

«داشتن شخصیت حقوقی مستقل و وابستگی سازمانی اندک به دولت، دارایی مستقل و اختصاصی، برخورداری از ارکان اجرایی و اداری مستقل از شاخص‌های مطلوب استقلال دانشگاه‌ها می‌تواند باشد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ نیز در این راستا، بیان نمود:

«دانشگاه باید استقلال شخصیت حقوقی داشته باشد. یعنی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در درون خودش انجام گیرد. در جذب دانشجو، در جذب عضو هیأت علمی، در ارائه سرفصل‌های آموزشی، در ارائه شیوه‌های آموزش نوین دارای استقلال و اختیار باشد. به عبارتی هر دانشگاهی بتواند استقلال شخصیتی و هویت خودش را حفظ کند».

در ارتباط با استقلال ساختاری دانشگاه‌ها، مصاحبه‌شونده شماره ۶، به استقلال سیاسی دانشگاه‌ها معتقد بود. وی باور داشت که مؤسسه‌های آموزشی و مراجع نظارت بر آن‌ها بایستی از فشارهای سیاسی به دور باشند و استقلال آن‌ها را باید جدی گرفت. هم‌چنین مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه بیان نمود:

«دانشگاه لازم است از لحاظ سازمان اداری خودبنیاد بوده و بتواند بدون دخالت روزمره دولت به اداره امور خود در زمینه مدیریتی، استخدامی و سازمانی خود بپردازد. دولت در این مورد می‌تواند در چارچوب صیانت از استقلال مؤسسات علمی، به نقش تنظیم‌گری، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و نظارت خود بپردازد».

۲- استقلال محتوایی (کارکردی)

تعداد ۱۱ نفر (۸۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، استقلال محتوایی را در زمینه معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان نمود: «دانشگاه باید در تنظیم و انتخاب محتوای مطالب و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود آزاد بوده و تحت فشارهای قدرت و نهادهای برون سازمانی قرار نگیرند. نیل به افق چشم‌اندازهای بلند، تنها و تنها در سایه آزاداندیشی و آزادی علمی در دانشگاه محقق خواهد شد». در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۴ به تولید علم، کارآفرینی و فناوری به‌عنوان نشانگرهای استقلال محتوایی در زمینه معیار مطلوب استقلال دانشگاهی اعتقاد داشت. هم‌چنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ به استقلال علمی و آزادی در ترویج علم و آزادی در طرح مباحث جدید علمی بدون هیچ‌گونه محدودیتی چه در حوزه آموزش و پژوهش اشاره داشت.

۳- استقلال مالی

تعداد ۹ نفر (۶۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، استقلال مالی را در زمینه معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان نمود: «در وضع موجود، دولت تأمین‌کننده اصلی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی است. همین امر سبب می‌شود نظارت و حتی در مقاطعی سلطه تام خود را بر دانشگاه‌ها اعمال کند. از این رو، استقلال منابع مالی می‌تواند به‌عنوان پیش شرط استقلال در دیگر حوزه‌ها محسوب شود». مشابه با مورد بالا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ نیز به جذب منابع مالی از سوی دانشگاه و فراهم نمودن بسته‌های کسب و کار و درآمدزایی برای دانشگاه در نیل به استقلال مالی تأکید داشت. هم‌چنین مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این زمینه بیان نمود:

«برای اینکه دانشگاه‌ها را موجودی مستقل بدانیم، باید از لحاظ مالی مستقل باشد. در وضع کنونی، دانشگاه‌ها طبعاً مستقل نیستند و همیشه در واقع نیاز به بودجه دولتی دارند و وابسته به آن هستند. به نظر من تا زمانی که این‌گونه باشد مسئله صحبت استقلال دانشگاه‌ها بیشتر جنبه شعاری دارد». وی هم‌چنین باور داشت که عملکرد دانشگاه‌ها در مقام سیاست‌گذار آن دانشگاه برمی‌گردد و مستقیماً به میزان منابعی که جذب می‌کند ارتباط دارد و استقلال در اینجا معنی پیدا می‌کند.

۴- جامعیت پاسخگویی

تعداد ۸ نفر (۶۱ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، جامعیت پاسخگویی را در زمینه معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۵، پاسخگویی سیستم به اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان را مهم دانست. هم‌چنین مصاحبه‌شونده

شماره ۱۱، به لحاظ نمودن نیازهای صنعت و ذی‌نفعان بیرونی توجه نمود. در این راستا، مصاحبه شونده شماره ۱۲ بیان نمود:

«دانشگاه باید سیستماتیک با صنعت ارتباط برقرار نماید و نیازهای صنعت را بگیرد و براساس آن نیرو تربیت کند. پس دانشگاه هم کار تعریف کند و هم نیرو تربیت کند و از کسب و کار حمایت نماید».

۵- استقلال در تصمیم‌گیری

تعداد ۷ نفر (۵۴ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، استقلال در تصمیم‌گیری را در زمینه معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان نمود:

«فکر می‌کنم که چندین مرجع در بیرون وجود دارند که برای دانشگاه دستور صادر می‌کنند و دانشگاه منتظر آن است که از بیرون چه چیزی گفته می‌شود و آن چیزی که از بیرون گفته می‌شود با واقعیات دانشگاه صدق نمی‌کند. بیشتر آمارسازی و جنبه شعاری دارد. مانند تولید علم و مقاله در این سطح‌هایی که گفته می‌شود».

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، زمانی که از استقلال دانشگاهی صحبت می‌شود، خودگردانی در انتخاب مقامات تصمیم‌گیرنده مطرح می‌شود. هم‌چنین از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۵، معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی در واقع همان اداره مطلوب دانشگاه‌ها است که ملازم با مشارکت کلیه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری و استماع آراء آنان و نظرات آنان است.

سوال دوم: استقلال دانشگاه‌های دولتی ایران، چه آثاری برای نظام آموزش عالی می‌تواند داشته باشد؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۳ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۸۱ گزاره (کد) استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به دست آمده، در مرحله دوم ۵۸ و در مرحله سوم ۳۸ گزاره حاصل شد و بر این اساس پنج مقوله و محور اصلی به عنوان آثار استقلال دانشگاه‌های دولتی برای نظام آموزش عالی از منظر حقوقی شناسایی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج شده ارائه شده است (جدول ۲).

جدول ۲. مهم‌ترین مقوله‌های اظهار شده در زمینه آثار استقلال دانشگاه‌های دولتی برای نظام آموزش

عالی توسط مصاحبه‌شوندگان

درصد	فراوانی	مقوله‌ها	ردیف	متغیر
۱۰۰	۱۳	چابک تر شدن دانشگاه‌ها	۱	آثار استقلال دانشگاه دولتی برای نظام آموزش عالی
۷۷	۱۰	دانشگاه محوری	۲	
۶۱	۸	پیشتازی در عرصه علم و فناوری	۳	
۶۱	۸	پاسخگویی دقیق تر به ذی نفعان بیرونی	۴	
۵۴	۷	اثرات منفی ناشی از آماده نبودن بستر لازم برای اعطای استقلال دانشگاهی	۵	

۱- چابک تر شدن دانشگاه‌ها

همه مصاحبه‌شوندگان (۱۳ نفر و ۱۰۰ درصد) چابک تر شدن دانشگاه‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین اثر استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش عالی بر شمرده‌اند. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، در این زمینه بیان نمود:

«همگامی دانشگاه‌ها با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و رفتن به نسل بالاتر دانشگاه‌ها در نتیجه استقلال دانشگاهی میسر می‌شود و این امر می‌تواند پیامدهای مثبتی را برای آموزش عالی به همراه داشته باشد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ به گسترش ارتباطات بین‌المللی و گسترش همکاری‌های آکادمیک به عنوان آثار استقلال دانشگاهی بر نظام آموزش عالی تأکید داشتند. هم‌چنین مصاحبه‌شونده شماره ۹ به شکل‌گیری رقابت سازنده بین دانشگاه‌ها در نتیجه استقلال دانشگاهی تأکید داشت که همواره نتایج مثبتی را برای نظام آموزش عالی می‌تواند به همراه داشته باشد.

۲- دانشگاه محوری

تعداد ۱۰ نفر (۸۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، به دانشگاه محوری به‌عنوان تأثیرات استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش عالی تأکید داشتند. این خبرگان اعتقاد داشتند دانشگاه محوری دارای نتایج مثبتی برای آموزش عالی هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۲، استقلال محوری سبب می‌شود که دانشگاه‌ها بتوانند به استخدام و گزینش اعضای هیأت علمی متناسب با نیازهای هر دانشگاه و سیاست‌های خاص آن دانشگاه بپردازند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ نیز اعتقاد داشت که استقلال دانشگاهی به دانشجوی محوری و در نظر گرفتن اولویت‌ها و نیازهای دانشجویان کمک شایانی می‌نماید.

در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان نمود:

«اعطای استقلال به دانشگاه‌ها و مستقل شدن دانشگاه‌ها سبب می‌گردد که برنامه‌ها تحمیلی نباشند. به عبارت دیگر برنامه‌ها از بیرون برای دانشگاه‌ها ابلاغ نمی‌شوند. در این فرآیند، اعضای هیأت علمی متخصص، مدیریت دانشگاه را بر عهده دارند و به اداره امور می‌پردازند».

۳- پیشتازی در عرصه علم و فناوری

تعداد ۸ نفر (۶۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، پیشتازی در عرصه علم و فناوری را به‌عنوان تأثیرات استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش عالی برشمرده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۹ به قابلیت ورود به عرصه‌های جدید در نوآوری و خلاقیت با اعطای استقلال به دانشگاه‌ها تأکید داشت. وی هم‌چنین به کشفیات جدید علمی در دانشگاه‌ها در نتیجه استقلال دانشگاهی باور داشت.

در زمینه تأثیرات استقلال دانشگاهی بر آموزش عالی، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ معتقد بود که استقلال دانشگاهی سبب خلاقیت و ابتکار در طراحی برنامه درسی می‌گردد. هم‌چنین از آثار دیگر استقلال دانشگاهی بر آموزش عالی از نظر وی به توسعه علمی و کیفی‌سازی علم می‌توان اشاره نمود.

۴- پاسخگویی دقیق‌تر به ذی‌نفعان بیرونی

تعداد ۸ نفر (۶۹ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، پاسخگویی دقیق به ذی‌نفعان بیرونی را به‌عنوان تأثیرات استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش عالی برشمرده‌اند. خبرگان به تأمین انتظارات و ترجیحات ذی‌نفعان بیرونی به خصوص کارفرمایان تأکید بسیار داشتند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اعتقاد داشت که از آثار مثبت استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش عالی، پیوند بیشتر دانشگاه با صنعت و تجارت است. به اعتقاد وی، به‌منظور اینکه دانشگاه بتواند تأمین منابع انجام دهد باید به بخش خصوصی نزدیک شود و برای آن‌ها دوره‌های ویژه طراحی نماید و آموزش‌های لازم را ارایه دهد.

۵- اثرات منفی ناشی از آماده نبودن بستر لازم برای اعطای استقلال دانشگاهی

تعداد ۷ نفر (۵۴ درصد) از مصاحبه‌شوندگان به اثرات منفی ناشی از آماده نبودن بستر لازم برای اعطای استقلال دانشگاهی اشاره داشتند که می‌تواند نتایج نامناسبی را برای آموزش عالی به همراه داشته باشد. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، استقلال دانشگاهی در حال حاضر، هیچ نتیجه‌ای جز تبعیض در رعایت ضوابط عادلانه در آینده نداشته است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان داشت:

«با توجه به شرایط کشور ما ممکن است دادن استقلال به دانشگاه‌ها جنبه منفی داشته باشد. در بعضی مواقع، مدیران کم تجربه و ناپخته در رأس امور دانشگاه قرار می‌گیرند که از این استقلال سوء استفاده می‌کنند و بیشتر به هم گروهی و هم جناحی خود کمک می‌کنند».

بحث و نتیجه‌گیری

کارکردهای متنوع آموزش عالی اعم از آموزش، پژوهش و تربیت نیروی انسانی متخصص باعث شده است که جوامع، این قلب تپنده را هر روز بیش از گذشته در حالت پویایی نگاه داشته و هزینه‌های هنگفتی را در سطح ملی و خصوصی برای پیشبرد این بخش از نظام آموزشی اختصاص دهند. دولت‌ها به موازات حمایت‌هایی که از نظام آموزش عالی به عمل می‌آورند، مطالبه‌گران اصلی این نظام‌ها در خصوص ارتقای کیفیت برای برون‌دادهای آن‌ها نیز هستند. در این راستا، برقراری تعادل بین استقلال دانشگاهی و اعمال اقتدار دولت بسیار اساسی و ضروری می‌نماید. مسأله اساسی که مطرح می‌شود این است که در بسیاری از مواقع و در شرایط گوناگون، اختیار و استقلال دانشگاهی کمرنگ جلوه‌گر می‌شود و در وضعیت بحرانی‌تر مورد غفلت قرار می‌گیرد.

در پژوهش حاضر استقلال ساختاری به‌عنوان مهم‌ترین معیار برای استقلال دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت. این نتیجه با نتیجه تحقیق رزاق مرندی و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در اداره دانشگاه‌های ایران از بین قدرت آکادمیکی، تصمیمات سیاسی، مقررات اداری و بازار، مقررات اداری است. این امر ناشی از تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی کشور است. بسیاری از انبوه قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران با روح و ساختار متمرکز تشکیلات و نظام اداری کشور هماهنگ است و فضا و زمینه لازم را برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به استقلال دانشگاه‌ها به‌ویژه ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۲۸ قانون برنامه پنجم توسعه ایجاد نمی‌کنند. این امر نیازمند توجه ویژه از سوی متولیان آموزش عالی است که در قوانین دانشگاهی تمرکززدایی نموده و آن‌ها را تا جایی که ممکن است به دانشگاه‌ها واگذار نمایند. سلیمانی (۱۳۹۲) در تحقیق خود نشان داد که بین ساختار اداری (رسمیت، پیچیدگی، سلسله مراتبی و تصریح رویه‌ای) و استقرار مدیریت کیفیت فراگیر در دانشگاه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین بعد تمرکز دانشگاهی با استقرار مدیریت کیفیت فراگیر رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

استقلال دانشگاهی از مزایای بسیاری برای آموزش عالی برخوردار است که ثمره آن در نهایت نصیب جامعه و اجتماع می‌گردد. در پژوهش حاضر، یکی از معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی

و نیز از اثرات مطلوب این استقلال بر نظام آموزش عالی، پاسخگویی به نیازهای اجتماع و بازار کار بوده است.

دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی با ملاحظه پاسخگویی که در قبال جامعه در زمینه تربیت نیروی انسانی ماهر برای صنعت و بازار کار دارند، ملزم به در نظر گرفتن نیازهای کارفرمایان و استخدام‌کنندگان در خارج از دانشگاه هستند و باید دانش‌ها و مهارت‌هایی را در قالب محتوای برنامه درسی خود بگنجانند که این نیازها را مرتفع نماید.

اعطای استقلال به دانشگاه، سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال جامعه و پویایی آن‌ها است. اما همانطوری که استرمن و استینل (۲۰۱۱) اشاره کرده‌اند باید مراقب بود که افزایش قابل توجه ضرورت پاسخگویی از طرف دانشگاه‌ها، استقلال آن‌ها را تهدید نکند و دولت‌ها از این ابزار برای اعمال فشار به دانشگاه‌ها استفاده ننمایند. مستقل شدن دانشگاه‌ها، به معنای جدایی و انزوای آن‌ها از جامعه نیست، بلکه با استقلال و هویتی که دانشگاه‌ها از این نظر پیدا می‌کنند پاسخگو بودن و تحقق اولویت‌ها و انتظارات جامعه در آن‌ها بیشتر خواهد شد. این امر همسو با نتیجه پژوهش انجام گرفته توسط غفرانی (۱۳۸۱) است. وی در پژوهش خود نشان داد که ایفای بسیاری از رسالت‌های امروزی دانشگاه در قبال جامعه، از قبیل مشارکت در توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق پژوهش، نوآوری و توسعه یا انتقال فناوری‌های مورد نیاز جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بازار کار و جامعه، توسعه و تعالی سرمایه انسانی جامعه، ارتقای فرهنگ و تمدن و صیانت از ارزش‌ها و سلامت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تنها با تکیه بر این مزیت نسبی دانشگاه (یعنی استقلال و آزادی علمی) میسر و معنی‌دار می‌شود. وی همچنین نتیجه گرفت که پاسخ‌گویی دانشگاه در برابر جامعه، قابلیت اعتماد و حفظ کیفیت و اعتبار علمی آن، با تکیه بر همین اصول بنیادین مفهوم پیدا می‌کند (غفرانی، ۱۳۸۲). در این راستا، نفیسی در پژوهش خود دریافت که از جمله چالش‌هایی که آموزش عالی ایران با آن روبرو است، نداشتن استقلال نهادی و پاسخ‌گو نبودن دانشگاه در مقابل جامعه و یا به‌طور کلی، همه‌ذی‌نفعان است (نفیسی، ۱۳۸۰). به‌منظور اثربخشی بیشتر آموزش عالی در قبال جامعه، باید دامنه استقلال آموزش عالی را گسترده نمود و این گستردگی در استقلال با گستردگی در اختیارات باید همراه شود. این اختیارات می‌تواند در انتخاب مدیران و جذب اعضای هیأت علمی، گزینش دانشجو و امثال آن باشد. رزاق مرندی و همکاران (۱۳۹۲) بیان می‌کنند که دولت‌ها در مواردی از قبیل حیطة تحقیق و انتشار، برنامه درسی و تدریس، استانداردهای علمی، امور کارکنان، امور حکمرانی، امور اداری و مالی، و امور دانشجویان بیشترین دخالت را در امور دانشگاه‌ها می‌نمایند. واگذاری این امور به دانشگاه‌ها به دانشگاه محوری می‌انجامد که در پژوهش حاضر به‌عنوان یکی از آثار مطلوب استقلال دانشگاهی برای نظام آموزش

عالی است. دانشگاه محوری را می‌توان به‌عنوان اصلی در نظر گرفت که جمیع معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی نظیر استقلال محتوایی، استقلال ساختاری، استقلال مالی، جامعیت پاسخگویی و استقلال در تصمیم‌گیری را در آن قرار دارد.

وقتی که سخن از دانشگاه محوری به میان آورده می‌شود، استقلال در برنامه‌ریزی درسی و واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها در زمینه برنامه‌ریزی درسی و بازنگری برنامه‌های درسی خود مطرح می‌شود که به‌عنوان استقلال علمی مطرح بوده و در پژوهش حاضر به‌عنوان استقلال محتوایی مورد توجه قرار گرفته است. برنامه درسی به‌عنوان قلب نظام آموزش عالی و یکی از کلیدی‌ترین ارکان این حوزه به‌شمار می‌رود. از این رو در اعطای استقلال به دانشگاه‌ها، در درجه نخست باید دامنه اختیارات در برنامه‌ریزی درسی را گسترش داد. این اختیارات در برنامه‌ریزی درسی می‌تواند در چارچوب کلی تعیین شده از سوی سیاست‌گذاران آموزش عالی صورت گیرد و این به خاطر این است که از مسیر تعیین شده برای آرمان آموزش عالی و چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در تحقق آرمان‌های کشور عدول نشود. یک موضوع مهم که به‌عنوان دغدغه اساسی متولیان آموزش عالی در این زمینه به حساب می‌آید، بحث استانداردسازی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های مختلف است. در قالب این چارچوب کلی می‌توان اختیارات کامل و کافی را به دانشگاه‌ها داد و همچنین به امر استاندارد برنامه‌های درسی نظارت داشت. در نظام آموزش عالی کشور ما این حرکت در سال ۱۳۷۹ با آیین‌نامه تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹) شروع گردید و تاکنون با فراز و نشیب‌هایی به راه خود ادامه داده است. در حال حاضر، این اختیارات براساس سطح‌بندی دانشگاه‌ها و به دانشگاه‌های سطح یک و دو (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵) داده شده است. مسأله‌ای که در این میان به چشم می‌خورد دانشگاه‌های سطح پایین‌تر هستند که از این نظر وابسته و نیازمند به دانشگاه‌های سطح بالاتر هستند که به بازنگری برنامه‌های درسی آنها بپردازند و این امر با اصل استقلال دانشگاهی و کلیدی بودن برنامه درسی در تحقق این امر منافات دارد.

موضوع مهمی که در پایان مورد توجه قرار داد، آماده بودن بستر لازم به‌منظور اعطای استقلال دانشگاهی است. همان‌طور که در پژوهش حاضر نیز مشاهده گردید، اعطای استقلال به دانشگاه‌ها همواره با نتایج مطلوب همراه نیست، بلکه این امر می‌تواند با آثار منفی نیز همراه باشد. این شرایط اغلب در زمانی صورت می‌گیرد که بسترهای لازم برای اعطای استقلال به دانشگاه‌ها و تفویض اختیارات به آنها مساعد نباشد. در این راستا، غیاثی ندوشن و خلیلی (۱۳۹۷) در تحقیق خود دریافته‌اند که فرآیندهای سیاسی کشورها، حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم متمرکز تصمیم‌گیری دولتی، محدودیت‌های مالی و استخدامی و گزینشی، تعصبات

خاص جناحی یا حزبی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق استقلال دانشگاه بوده که در بروز تمامی این موانع، دولت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌نمایند. به‌عنوان مثال ممکن است در مناطق نبرخوردارتر از مزیت برخورداری از ساختار لازم مدیریتی، کالبدی و مالی برای استقلال؛ ساختار آموزشی و جامعیت در رشته‌های آموزشی به‌منظور پوشش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه؛ و برخورداری از افراد خبره و متخصص در زمینه برنامه‌ریزی درسی منحصر به خود محروم باشند. این مسایل می‌توانند بار مشکلات زیادی را بر دوش آموزش عالی قرار دهند. بنابراین، متولیان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش عالی می‌بایست به این امر اهتمام ویژه‌ای داشته و با اتخاذ تدابیر و راه‌کارهایی به حل مسایل در زمینه اعطای استقلال به دانشگاه‌ها و مساعد نمودن بستر و شرایط لازم برای آن کمک نمایند.

منابع

- Arasteh, H. (2001). Management in Universities Affiliated with the Ministry of Science, Research and Technology, Challenges and Shortcomings. *Journal of Higher Education Research and Planning*, 7 (3): 70-41.
- Arefi, M. (2005). Curriculum development in higher education. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Farasatkah, M. (1998). Higher education on the eve of the 21st century (Report from the World Conference on Higher Education 1998). *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 6 (17), 129-119.
- Fathi Wajarah, K. & Khosravi, M. (2013). Acceptance of Innovation in Higher Education Curriculum. Tehran: Shakhshiat Publication.
- Ghafrani, M. B. (2003). Structural Issues of the Iranian Higher Education System and the Ways for its elimination in the Fourth Schedule, Parliament and Strategy, 10 (41): 100-73.
- Ghiasi, Q., & Khalili, A. (2018). The Role and Position of Government in University Independence, *State Research Quarterly*, 4 (12): 232-183.
- Ghouchian, N., Arasteh, H., & Jafari, P. (2004). Higher Education Encyclopedia (c. 1). Tehran: Persian Encyclopedia Foundation.
- Homayoun Fard, A. (2017). Reflection on Academic Freedom and Independence, Underpinning the Scientific Development of Iran and Providing Appropriate Solutions. *Proceedings of the National Conference on University Independence: Challenges and Strategies*, Tehran: Allameh Tabataba'i University Press, pp. 419-446.
- Javadani, H., Toufiqi, J., Judge Tabatabai, M., & Paghdami, M.H. (2008). Investigating the Status of Higher Education System Management from the Perspective of Higher Managers: Past, Present, and Future. *Higher Education Research and Planning Journal*, 14 (2): 161-139.
- Khorsandi Taskuh, A., & Panahi, M. (2016). Critical Analysis of International University Ranking Systems: Policy Recommendations for Iranian Higher Education, *Journal of Higher Education*, 8 (3): 136-11.

- Ministry of Science, Research, and Technology (2000). Regulations delegating curriculum authority to universities. Retrieved January 8, 2014 from https://vpap.um.ac.ir/images/84/baeneme_rizi_darsi/aeen_name/barnamerizi-vagozari1.pdf
- Ministry of Science, Research, and Technology (2009). Science and Technology Transformation Document, Supreme Leader's Statements. Retrieved January 10, 2014 from https://strategic.iut.ac.ir/sites/strategic/files/ufiles/t_Sanade%20Tahavol%20%28%202088-6-28%20%29.pdf
- Ministry of Science, Research, and Technology (2016). Regulation of Delegation of Curriculum Planning Authorities to Universities and Higher Education Institutions. Retrieved December 11, 1977 from <https://www.msrt.ir>
- Ministry of Science, Research, and Technology (2000). Regulations delegating curriculum authority to universities. Retrieved January 8, 2014 from https://vpap.um.ac.ir/images/84/baeneme_rizi_darsi/aeen_name/barnamerizi-vagozari1.pdf
- Nafisi, A. (2001). Higher Education System Analysis, Integration Report No. 6, Higher Education Research and Planning Institute.
- Rahmani, Gh. & Nasrabad, Z. (2001). Future University Independence, Quarterly Journal of Higher Education Research and Planning, 20: 102-65.
- Razaq Marandi, H., Rahimzadeh, Kh. & Khajeev, AH. (2013). Institutional Independence of Public Universities Affiliated to the Ministry of Science, Research and Technology of Iran, Journal of Higher Education, 5 (4): 163-137.
- Shoharinejad, A A. (2004). Philosophy of Education, 7th Edition. Tehran: Amir Kabir Press.
- Soleimani, N.(2013). Evaluating the Relationship between Organizational Structure and Deployment of Total Quality Management in Islamic Azad Universities of 10 Countries, Management and Planning in Educational Systems, 6 (10): 152-129.
- Zahedi Asl, M. (2017). The Concept of University Independence, Legal Principles, Obstacles, and Limitations. Proceedings of the National Conference on University Independence: Challenges and Strategies, Tehran: Alameh Tabataba'i University Press, pp. 447-471.
- Farrant, J. (1987). Central control of the university sector. In: T. Becher, British Higher Education, London, Allen & Unwin.
- Serkan Ödemiş, İbrahim , Ferda Beytekin, Osman & Emin Uslu, Mehmet (2016), "AN EXPLORATORY STUDY ON UNIVERSITY AUTONOMY: A COMPARISON OF TURKEY AND SOME EUROPEAN UNION COUNTRIES", JOURNAL OF EDUCATIONAL AND INSTRUCTIONAL STUDIES IN THE WORLD, August, Volume 6, Issue 3, Article 10.
- Singh, Ramesh Chandra& Lohani, Siddharth & Pant, Pankaj (2015), Autonomy in Higher Education: Shifting Paradigm, *EUROPEAN ACADEMIC RESEARCH*, Vol. III, Issue 1/ April, www.euacademic.org, pp 545-555.
- Sufean, H & Wong, S.C (2014), "UNIVERSITY AUTONOMY: WHAT ACADEMICS THINK ABOUT IT", *International Refereed Research Journal*, Vol.-V, Issue-2, April, www.researchersworld.com.

- Kempkes, G., & Pohl, C. (2008). Do institutions matter for university cost efficiency? Evidence from Germany. *CESifo Economic Studies*, 54, 177- 203.
- Estermann, Thomas & Steinell, Monika, (2011), University autonomy in Europe, *European University Association*, Beiträge zur Hochschulforschung, 33, Jahrgang.
- Woelert, Peter (2014), *between "autonomy and control": A comparative perspective on university governance reforms*, Paper presented in track 1 at the EAIR 36th Annual Forum in Essen, Germany, 27-30 August.
- Woodhall, M. (1992). Changing sources and patterns of finance for higher education: A review of international trends. *Higher education in Europe*, 17(1), 49-141.

Explaining the Desirable Criteria of Academic Independence and its Effect on Iranian Higher Education from a Legal Perspective

M. Jalali¹ & K. Ghanbary*

Received: 2019/04/12

Accept: 2019/11/5

Abstract

Objective: In the present era, universities are considered as organizations with a lot of complexities. In this regard, academic independence plays a significant role in creating this complexity. Given the importance of this issue, the present study aims to evaluate the desirable criteria for academic independence and its implications for higher education.

Materials and methods: In the present qualitative study, a purposeful sampling method was used for data collection. In this regard, theoretical saturation of the data was obtained through semi-structured interviews with 13 experts and policymakers in the field of higher education. Then, a qualitative content analysis was used for coding and categorizing.

Result and Discussion: The results indicated that the desirable criteria related to academic independence include structural independence, content independence, financial independence, accountability, and decision-making aspects. Further, the agility of universities, advances in science and technology, focusing on the university as the basis, more accountable external stakeholders, and the negative effects of not being prepared for independency have been considered as the effects of academic independence in the area of higher education.

Keywords: academic independence, Higher education, University, Legal Perspective.

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

* Corresponding Author: Ph.D. candidate in Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. kiumars_ghanbary@yahoo.com

